

بررسی بهره‌مندی از ظرفیت‌های ایرانیان خارج از کشور (با نگاهی بر کارکردهای شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما)

مهدی بهمنی^۱، جهاندار امیری^۲، محمدقلی میناوند^۳

چکیده

رشد فزاینده نقش‌آفرینی مهاجران بین‌المللی و سیر صعودی نفوذ آنها در نظام‌های دولتی و خصوصی، باعث شده این بازیگران نوظهور عرصه روابط بین‌الملل ظرفیت بیشتری برای تأثیرگذاری پیدا کنند. در میان طیف متنوع جوامع دور از وطن، دایاسپوراها در شمار تأثیرگذارترین بازیگرانی هستند که هم بر سیاست داخلی کشورها تأثیر گذارند و هم نقش‌های مهمی در حوزه‌های مختلف بین‌الملل به‌ویژه در حوزه تبادلات فرهنگی بر عهده دارند. این مقاله، در پی پاسخ دادن به این پرسش‌های کلیدی است که «دایاسپورای ایرانی چه ویژگی‌ها و اهمیتی دارد، چه تأثیری در توسعه روابط ایران با سایر کشورها می‌تواند داشته باشد و در این عرصه شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما چگونه می‌توانند از ظرفیت‌های این جوامع در پیشبرد اهداف توسعه ملی بهره‌گیری کنند؟» یافته‌های این پژوهش که با روش کیفی و با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده، نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر این جوامع دور از وطن با روندی رو به رشد در چهار زمینه بنیادین سیاست‌گذاری یعنی سیاسی-امنیتی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و علمی-فنی تأثیرگذار بوده‌اند. جوامع دایاسپورای ایرانی از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردارند که می‌توانند از جنبه‌های مختلف در خدمت حل مشکلات ایران قرار بگیرند. رسانه‌های برون‌مرزی ایران با اتخاذ راهکارهای مختلف و عملیاتی کردن ارتباط با جوامع ایرانی خارج از کشور، می‌توانند نقش مؤثری در این زمینه‌ها ایفا کنند.

واژه‌های کلیدی: ایرانیان خارج از کشور، دایاسپورا، مهاجرت، دیپلماسی عمومی، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

Bahmani.ucd@gmail.com

^۱ پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران.

^۲ استادیار گروه روزنامه‌نگاری، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Jahandar.amiri553@gmail.com

^۳ دانشیار گروه مدیریت رسانه، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

minavand@iribu.ac.ir

Doi: 10.22034/IMRL.2022.150208



مقدمه

اگرچه مهاجرت‌های فراملی و حرکت مهاجران میان سرزمین مادری، کشور میزبان و دیگر کشورها همواره به شکل‌های گوناگون وجود داشته و تنها به عصر کنونی اختصاص ندارد، اما جوهره و کیفیت این ارتباطات در گذر زمان تغییرات چشم‌گیری را از سر گذرانده است. به بیان دیگر، «امروزه این پدیده، فرآیند اتصال‌دهنده‌ای است که در بستر بازسازی اقتصاد جهانی، فرآیندهای انباشت سرمایه و همچنین توسعه دسترسی‌ها به فناوری‌های مسافرتی و اطلاعاتی جدید شکل گرفته است» (Al-Ali, 2007: 3).

مفهوم «دایاسپورا»^۱ به‌طور خلاصه، دانش‌واژه‌ای تخصصی در حوزه مطالعات مهاجرت‌های بین‌المللی است که برای معرفی دسته‌ای از مهاجران استفاده می‌شود که با وجود ترک سرزمین مادری و اقامت در کشوری دیگر، ارتباطشان را با کشور اصلی خود حفظ می‌کنند و بلکه بر حفظ آن اصرار دارند. به‌طور کلی، دایاسپوراها نقش‌های مهمی در چهار حوزه اصلی بازی می‌کنند: «۱- اقتصادی، ۲- علمی و فناوری، ۳- فرهنگی و اجتماعی و ۴- سیاسی و امنیتی». نکته حائز اهمیت این است که نوع نقش‌آفرینی و دامنه اثرگذاری دایاسپوراها از یک‌سو وابسته به شرایط محیطی و ترتیبات ساختاری است که آنها در آن شکل گرفته‌اند (پیشینه) و از سوی دیگر وابسته به شرایطی است که اکنون در آن به سر می‌برند (وضعیت موجود). با در نظر گرفتن مجموعه موارد ذکر شده، این سخن چندان اغراق‌آمیز به‌نظر نمی‌رسد که برخی گفته‌اند: «دایاسپوراها به دغدغه‌ای اساسی برای رهبران سرزمین مادری، دولت‌های میزبان، مخالفان آنها در هر دو کشور و همچنین برای کشورهای رقیب در عرصه فعالیت‌های دیپلماتیک تبدیل شده‌اند» (Shain, 2002: 116).

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های ایرانیان خارج کشور بهره‌مند شود و نقش شبکه‌های رسانه‌ای برون‌مرزی صداوسیما در بهره‌گیری از ظرفیت‌های این جوامع در پیشبرد اهداف ملی چیست؟ برای پاسخگویی به سؤالات مذکور به پرسش‌های فرعی از جمله اینکه «دایاسپورای ایرانی چه ویژگی‌ها و اهمیتی دارد و تأثیرات آن در روابط بین‌الملل و فرهنگی ایران با سایر کشورها چیست» پاسخ داده خواهد شد. ایرانیانی که با بهره‌مندی از تحصیلات عالی، تمکن مالی مناسب و ارتباطات بین‌المللی مؤثر عمدتاً به آمریکای شمالی، اروپای غربی و استرالیا عزیمت می‌کنند و ممکن است در صورت نبود

^۱ مهاجرانی که ارتباط هویتی، فرهنگی و رفت‌وآمد با سرزمین مادری خود را قطع نمی‌کنند.



توجه کافی و سیاست‌گذاری نادرست به ابزاری در دست دولت‌های دشمن و رقیب علیه سرزمین و کشور خودشان تبدیل شوند. این مهم، زمانی بیشتر حساسیت برانگیز می‌شود که بدانیم مطابق تحقیقات انجام گرفته «ظرفیت ایجاد بحران در کشورهایی که دایاسپوراهای بزرگی در آمریکا دارند شش برابر بیشتر از کشورهایی است که چنین وضعیتی ندارند» (Lyons, 2004: 8-9).

پیشینه پژوهش

بررسی آثار علمی تولید شده به زبان فارسی و انگلیسی نشان دهنده این است که حجم آثار انگلیسی به مراتب بیشتر از نمونه‌های فارسی است. دلیل اصلی آن نیز به این واقعیت باز می‌گردد که موضوع مهاجرت دیرزمانی است که به‌عنوان یک مسئله، جوامع غربی را درگیر خود کرده است. لذا، آثار علمی تولید شده در میان این کشورها نیز بیشتر از ایران بوده است. در میان طیف گسترده آثار موجود در غرب به چند مورد از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

پژوهشی با عنوان *مبانی مهاجرت جهانی*^۱ نوشته برنات هانلون و جی ویسینو^۲، در سال ۲۰۱۴ انجام شده که نویسندگان در پژوهش به‌دنبال آن بوده‌اند که به‌طور پایه‌ای مقوله مهاجرت را بررسی کنند و بر همین اساس کتاب، مقدمه‌ای برای مطالعات مهاجرت محسوب می‌شود و می‌کوشد با توجه به پیچیدگی‌های این پدیده و ابعاد متنوع جامعه‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن، برداشت نسبتاً فراگیری از این مقوله ارائه کند. روش تحقیق اثر، تحلیل توصیفی است و غالب داده‌ها، از جنس کیفی هستند. البته داده‌های کمی عمدتاً در نتیجه‌گیری‌های فصول کتاب به‌کار رفته‌اند. *مقدمه‌ای بر دایاسپوراهای جهانی*^۳ عنوان اثری از رابین کوهن^۴ است که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده و بیشتر به‌دنبال گره‌گشایی از پیچیدگی‌های مفهوم دایاسپورا در عصر جهانی شدن است. نویسنده از پنج گونه مختلف دایاسپورا نام برده است که عبارتند از: «قربانی شده»^۵، کارگری^۶، امپریالیستی^۷، تجارت پیشه^۸ و سرزمین‌زدایی شده^۹ (Cohen, 2008: 21-28).

1. Global Migration: the Basics
2. Hanlon Bernadette & Thomas J. Vicino
3. Global Diasporas: An Introduction
4. Robin Cohen
5. Victim Diasporas
6. Labour Diasporas
7. Imperial Diasporas
8. Trade Diasporas
9. Deterritorialized or Hybrid diasporas



در زمینه آثار فارسی تولید شده، احمدزاده و نامورمطلق (۱۳۹۱) به دنبال این واقعیت بوده‌اند که پدیده‌های اجتماعی درون یک جامعه دارای بازتاب و انعکاس در حوزه‌های مختلف آن هستند و یکی از این حوزه‌ها هنر است. پیشفرض بنیادین این مجموعه مقالات را می‌توان این‌گونه بیان کرد که پدیده مهاجرت بر هویت، ملیت، روابط اجتماعی، نژادپرستی و دیگر مؤلفه‌های هویت فردی-جمعی تأثیر می‌گذارد. کتاب با بهره‌مندی از تعابیر شاعرانه و تحلیل‌های هنری به دقتی تر کردن فهم مخاطب از پدیده مهاجرت کمک می‌کند. اما باید به یاد داشت که تکیه بر این‌گونه تحلیل‌ها به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی سؤالات متعدد و پیچیده در ارتباط با تدوین و ترویج گفتمان بومی مهاجرت باشد.

بهمنی و اطاعت (۱۴۰۰)، بهمنی و همکاران (۱۳۹۷) و بهمنی (۱۳۹۵) در مقالاتی با عناوین «هویت دایاسپورایی و ارتباط با وطن»، «دایاسپوراها و منافع ملی جمهوری اسلامی در عصر جهانی شدن» و «دایاسپوراها بازیگران بانفوذ عصر جهانی شدن: تبیینی نظری و تحلیلی موردی» برای پوشش دادن کمبودها و موارد نقص مقالات در این حوزه تلاش کرده‌اند. مشارکت عمده مقالات ذکر شده در توسعه ادبیات این زمینه بیشتر پیرامون تجزیه و تحلیل‌های مفهومی دایاسپورا، تبیین پیچیدگی‌ها و ابعاد هویت دایاسپورایی و نیز واکاوی چند نمونه عینی از تجربیاتی است که ایران در دوره‌های مختلف تاریخی از تعامل با دایاسپوراها داخل و خارج داشته است. به عنوان مثال، در مقاله نخست ضمن ارائه چارچوبی تحلیلی برای فهم الگوهای کنشگری جوامع دایاسپورایی، مهمترین عوامل شکل دهنده هویت اعضای این جوامع بحث و بررسی شده‌اند. در مقاله دوم و سوم، ضمن اشاره به ظهور حوزه مطالعات دایاسپورا^۱ به‌عنوان یکی از زمینه‌های رو به رشد مطالعه در دانشگاه و مراکز پژوهشی اروپا، آمریکا و چین، تبیین‌های نظری و موردی از دیدگاه‌های اصلی اندیشمندان این حوزه مطالعاتی ارائه شده که به مخاطب کمک می‌کند با رویکردهای بنیادین موجود آشنا شود. مقاله «واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی ارمنستان و ارتباط آن با منافع ایران» (۱۳۸۹) اثر دیگری است که توسط فرجی‌راد و یزدان دولتیاری منتشر شده است. محور این مقاله تحلیل سیاست خارجی ارمنستان در ارتباط با محیط پیرامونی خود در منطقه است و بخشی از آن به اهمیت دایاسپورای ارمنی ساکن ایران برای رهبران ارمنستان اشاره می‌کند. همچنین مقاله‌ای از دهقانی‌فیروزآبادی و سمیه بهرامی (۱۳۹۶) به چاپ رسیده که با هدف تحلیل زمینه‌های اثرگذاری دایاسپوراها بر وطن با تمرکز بر ایرانیان مقیم ایالات متحده به رشته تحریر درآمده است.

۱. Diaspora Studies

همانگونه که مشاهده می‌شود، مطالعه ظرفیت‌های دیاسپورا ایرانی و کارکردهای شبکه‌های برون‌مرزی در این خصوص، مسئله این پژوهش‌ها نبوده است.

چارچوب مفهومی

این ایده که شبکه‌های روابط میان دولت‌ها با دیاسپورا به‌عنوان ابزاری برای بسط قدرت سخت (اقتصادی) و نرم (سیاسی و فرهنگی) از ظرفیت فراوانی برای پیشبرد اهداف و منافع ملی کشورها برخوردارند سابقه نسبتاً طولانی دارد و اکنون نقش دیاسپورا در تبادل فرهنگی، امور بین‌الملل و توسعه اقتصادی به خوبی تثبیت شده است. دیاسپوراها برای قرن‌ها به‌عنوان عامل تقویت نفوذ و اعتبار (یا برعکس افول و کاهش اعتبار) ملی ایفای نقش کرده‌اند. اما آنچه جدید است، گسترش روزافزون راهبردهای ملی کشورها و دولت‌ها برای کنترل و هدایت فعالانه آنها برای رسیدن به اهداف دیپلماسی عمومی است (Melissen, 2011).

اما رابطه میان دیپلماسی و دیاسپورا چیست و ویژگی‌های آن چگونه است؟ از منظری کلی ادبیات علمی محدودی وجود دارد که به‌صراحت بر ارتباط بین دیاسپورا و دیپلماسی تمرکز کرده باشد. هر جا که اصطلاح «دیپلماسی دیاسپورا» به‌طور خاص به‌کار رفته است، به‌عنوان توصیفی برای شکلی از دیپلماسی عمومی (Tomiczek, 2011)، یا شیوه‌ای از قدرت نرم (Gonzalez, 2012) و یا استراتژی مورد استفاده دولت‌ها برای ارتقای منافع خارجی خود ظاهر می‌شود (Rana, 2009). در زمینه ایجاد ارتباط بین دیپلماسی، دیاسپورا و جغرافیا، نه تنها بازیگران دولتی با دیاسپورا درگیر هستند، بلکه بازیگران غیردولتی و بین‌المللی نیز هم هدف دیپلماسی دیاسپورا و هم ذینفع در آن به‌شمار می‌آیند. انجام این امور، دیاسپوراها را به‌عنوان بازیگران دیپلماتیک در جایگاه خاص قرار می‌دهد. در خصوص این پرسش که «کار دیپلماتیک چگونه توسط دیاسپورا و یا از طریق آنها اجرا می‌شود»، باید ماهیت کار دیپلماتیک انجام شده توسط دیاسپورا و جنبه‌های رسمی و غیررسمی آن چیزی که دیپلماسی محسوب می‌شود، بررسی شود. پرداختن به این پرسش راه را برای درک نحوه تعامل دیاسپورا با شیوه‌های عمل دیپلماتیک نشان می‌دهد و به ما امکان می‌دهد تا به پیشرفت‌های جدیدی هم در مطالعات دیپلماسی و هم در مطالعات دیاسپورا دست یابیم. در مورد اول، تحقیقات جدید با رویگردانی از دیپلماسی سنتی که صرفاً با محوریت دولت مطرح می‌شود، به‌سمت توجه هرچه بیشتر و اهمیت دادن به تنوع بازیگران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در اعمال دیپلماتیک شرکت می‌کنند، حرکت کرده است (Cornago, 2013).





در حال حاضر تمرکز مطالعات موجود بر سیاست و دیپلماسی دایاسپورا و فراملیت‌گرایی سیاسی است، اگرچه میان آنها تا حدی باید تمایز قائل شد. تفاوت آنها در این است که دومی عمدتاً روابط دولت-دایاسپورا و نحوه مشارکت دایاسپوراها در امور سیاسی کشورهای اعزام‌کننده را مورد توجه قرار می‌دهد، به‌عنوان مثال از طریق رأی‌گیری خارجی، فعالیت‌های سیاسی و نتایج سیاسی که از تبدیل ایده‌ها، شیوه‌ها و دانش حاصل می‌شود (Bocagni et al. 2016: 446). در مقابل، مفهوم‌سازی این مقاله از دیپلماسی دایاسپورا بر نقش دایاسپوراها در شکل دادن به کارکردهای اصلی دیپلماسی یعنی نمایندگی، ارتباطات و میانجی‌گری متمرکز است. البته بهره‌گیری از هر دو نگرش در بررسی‌های این پژوهش مفید است، زیرا همزمان هر دو زمینه فعالیت دایاسپورا را پوشش می‌دهد: دیپلماسی از طریق دایاسپورا و دیپلماسی توسط دایاسپورا. اولی چگونگی عملکرد دایاسپوراها را به‌عنوان بازیگران دیپلماتیک و روشی که آنها به‌عنوان کارگزاران سیاست خارجی دولت‌ها عمل می‌کنند، معرفی می‌کند. این بحث نشان می‌دهد که چگونه دیپلماسی دایاسپورا مفروضات سرزمینی مرتبط با شیوه‌های دیپلماتیک را دچار مشکل و توجه را به جنبه‌های چندجانبه دیپلماسی معطوف می‌کند (Wiseman, 2004). اما بخش دوم بر اقدامات دیپلماتیکی تمرکز دارد که دایاسپورا برای پیشبرد دیدگاه‌های سیاسی بدیل (آلترناتیو) انجام می‌دهند. این نگرش، دایاسپورا را کنشگران و ذینفعان فعال و نسبتاً مستقل در مجموعه‌ای از روابط و تعاملات ملی و بین‌المللی در نظر می‌گیرد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. دایاسپورا

به‌لحاظ واژه‌شناسی^۱، دایاسپورا عبارت ترکیبی یونانی است که از کنار هم قرار گرفتن دو کلمه «دایا»^۲ به معنای «میان، وسط یا سراسر چیزی» و «سپیرو»^۳ به معنای «از هم جدا کردن یا پراکنده کردن» تشکیل شده است (Liddell and Scott, 1996: 148). از نظر یونانیان باستان لفظ دایاسپیرین^۴ فرایندی طبیعی بود که در آن میوه از درخت یا دانه از بوته اصلی جدا می‌شد. این فرآیند، اگرچه با تفرق و انفکاک عجین بود اما در ذات خود بازتولید و حیات دوباره جاندار را به همراه داشت (Tölölyan, 1996: 10).

1. Terminology

2. Dia

3. Spiro

4. Diaspeirein



تعریف مختار این مقاله از کیم باتلر^۱ وام گرفته شده که در تعریفی ساده از این مفهوم پیچیده معتقد است: «کلمه دایاسپورا در ساده‌ترین معنای خود پراکندگی گروهی از مردم را از سرزمین مادری‌شان تداعی می‌کند» (Butler, 2001: 189). در کنار این تعریف کوتاه و کلی می‌توان تعریف جزئی‌تر مؤسسه بین‌المللی برای مهاجرت^۲ را قرار داد که دایاسپوراها را این‌گونه معرفی می‌نماید: «اعضای جوامع قومی و ملی که وطن خود را ترک کرده‌اند اما ارتباطات خود را با آنجا قطع ننموده‌اند. اصطلاح دایاسپورا ایده جمعیت‌های فراملی‌گرا را به ذهن منتقل می‌کند که در یک سرزمین مشخص زندگی می‌کنند اما روابط خود را با وطن حفظ کرده‌اند؛ یعنی هم اینجا هستند و هم آنجا» (Ionescu, 2006: 13).

۱-۱-۱. مطالعات دیپلماسی دایاسپورا

در بررسی تاریخچه نظری مطالعات دایاسپورا سه مرحله متمایز قابل تشخیص است. مطالعات اولیه دایاسپورا (Tölölyan, 1991) بر این استدلال مبتنی بوده است که دایاسپوراها مفروضات سرزمینی ملت و دولت را به‌عنوان جمعیت پراکنده‌ای که در خارج از سرزمین‌های ملی متبوع خود ساکن هستند، اما مدعی وابستگی شدید به وطن خود هستند، پیچیده می‌کنند. امروزه با تعداد بیشتری از مهاجران که سفرهای مهاجرتی مجدد را از کشوری به کشور دیگر آغاز می‌کنند، الگوهای اقامت اعضای دایاسپورا نه تنها مفهوم سنتی ملت و دولت را که بیشتر بر زیربنای سرزمینی متکی است بلکه خود معنای دایاسپورا را نیز مخدوش می‌کند (Huijgh, 2016).

در مرحله دوم مطالعات دایاسپورا، بحث مشارکت دایاسپورا اولویت پیدا کرده و تاکنون بر ابتکارات تحت رهبری دولت‌ها، تعاملات دایاسپورا با دولت‌های فرستنده و میزبان و یا سازمان‌های بین‌المللی که با بازیگران شناخته شده بین دولتی کار می‌کنند، متمرکز بوده است. شیلر^۳ (2005) استدلال می‌کند که مطالعات دایاسپورا معمولاً با هویت‌های ملت‌محور مرتبط بوده است. جمعیت دایاسپورا به‌عنوان بخشی از جمعیت یک ملت شناخته می‌شود که از سرزمین خود پراکنده شده است و میل به وطن خود دارد. از نظر نویسندگان این مقاله در تحلیل روابط به‌هم پیوسته بین دایاسپورا و دیپلماسی، جدا کردن ترکیب ملت و دولت مفیدتر

1. Kim Butler

2. The International Organization for Migration

3. Shiler



است. این امر فضا را برای در نظر گرفتن مواردی باز می‌کند که در آن دایاسپورا ابزاری می‌شود که از طریق آن سیاست‌های غیر دولتی، دایاسپورا را برای پیشبرد اهداف خود جلب می‌کنند و یا در کار لابی کردن برای منافع خود نقش رهبری را به عهده می‌گیرد. جداسازی دایاسپورا از دولت همچنین به ما این امکان را می‌دهد که ماهیت دیپلماسی را که دایاسپوراها بدون به رسمیت شناختن نقش دیپلماتیک‌شان در نظام بین‌المللی انجام می‌دهند، بررسی کنیم و تمرکز را از سؤالات چگونگی مشارکت دایاسپورا در سیاست به ذینفعان و مخاطبان متعدد برمی‌دارد.

روش تحقیق

از لحاظ روش‌شناسی، این پژوهش بر مبنای رویکرد کیفی^۱ از نوع توصیفی-تحلیلی انجام شده که «بیشتر به آن دسته از یافته‌های اکتشافی بها می‌دهد که محصول درگیری‌های ذهنی پژوهشگر با موضوع پژوهش هستند و هدف از بکارگیری این رویکرد رسیدن به درکی عمیق‌تر از برداشت‌های سطحی است» (Queen University Belfast, 2017). برخلاف رویکرد کمی که غالباً مبتنی بر مقایسه‌های توصیفی-تحلیلی پژوهشگر از داده‌های آماری با هدف تعمیم‌بخشی نتایج پژوهش هستند، در پژوهش‌های کیفی هدف ارائه تحلیل‌هایی است که تبیین‌کننده مفاهیم، توضیح‌دهنده ارتباط پدیده‌ها با همدیگر و نیز روشن‌کننده منطق پنهان در ورای واقعیات موجود هستند. در نتیجه پژوهشگری که رویکرد کیفی را انتخاب می‌کند ضمن بهره‌بردن از آمارها و دسته‌بندی‌های موجود، عمده تلاش خود را معطوف کشف چیستی و چرایی وقوع رویدادها و تاثیرات آنها می‌نماید. رویدادها و پدیده‌هایی که معمولاً آگاهی کمتری نسبت به آنها وجود دارد (Denzin & Lincoln, 2005: 4-7). در خصوص گردآوری داده‌ها، باید گفت که این داده‌ها با رجوع به منابع اسنادی دست‌اول تأمین شده‌اند. کتاب‌های مرجع این حوزه، مقالات نویسندگان مطرح در این زمینه و دیگر آثار موجودی که می‌توانند به تحقق هدف مورد نظر کمک کنند در اولویت خواهند بود. در این خصوص، از اسناد دست‌اولی همچون سند امنیت ملی آمریکا، متن مذاکرات کمیته‌های تخصصی کنگره، بیانیه‌های مسئولان آمریکایی و اخبار و اطلاعات مرتبط با آنها استفاده شده است.

۱. Qualitative research approach

یافته‌ها

ایران و مهاجرت‌های بین‌المللی

نخستین تجربه‌های قابل ذکر از جریان خروجی مهاجرت در کشورمان، در دوران معاصر را باید به اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی مرتبط دانست. دوره‌ای که از یک‌سو تحت تأثیر جریان نواندیشی اجتماعی-سیاسی تعداد قابل توجهی از جوانان و عمدتاً از طبقه مرفه جامعه به کشورهای اروپای غربی رفت‌وآمد می‌کردند و از سوی دیگر جریان مبلغان مسیحی- با محوریت میسیونرهای آمریکایی - است که با ترفندهای مختلف مسیحیان ایرانی را تشویق به مهاجرت به ایالات متحده می‌کردند. گروه‌هایی که هم به لحاظ اقتصادی و هم از نظر ارزش‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی فاصله قابل توجهی با توده مردم ایران داشتند. مرحله بعد از این به سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ بازمی‌گردد. دوره‌ای که در آن ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به بازیگران اصلی سیاست و روابط بین‌الملل تبدیل می‌شوند. ایران نیز که از دهه‌های پیش و به دلایل متعدد به یکی از بازیگران دنباله‌روی بلوک غرب تبدیل شده بود، در این دوره همچنان بر همین مدار به حرکت خود ادامه می‌دهد با این تفاوت که محوریت از بریتانیای افول کرده به ایالات متحده ظهور کرده منتقل می‌شود. همزمانی این تغییر بین‌المللی با عامل افزایش چشمگیر قیمت جهانی نفت در کنار ضعف بنیادین رژیم پهلوی در اداره جامعه، بیش از هرچیز زمینه‌ساز تعمیق نفوذ ایالات متحده در سپهر سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما شد. تا جایی که ایران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی این کشور در غرب آسیا تبدیل شد (McCain, 2015: 9).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که با جنگ تحمیلی هشت ساله، رشد جمعیتی خیره‌کننده، تحریم‌های ظالمانه و تکانه‌های اقتصادی دنبال شد، روند خروج از کشور رشدی آرام و نسبتاً مستمر را تجربه کرده است. در سال‌های اولیه بعد از انقلاب شماری از افراد و خانواده‌های ایرانی به دلایل مختلف تصمیم به مهاجرت، اقامت و سپس ماندن دائمی در کشورهای دیگر گرفتند.^۱ تا قبل از شروع حمله رژیم بعثی به ایران در مهر ۱۳۵۹ بیشتر مهاجران تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و یا اولویت‌های فرهنگی کشور را ترک می‌کردند و غالباً از طبقه متمول و صاحبان سرمایه‌های بزرگی بودند که یا وابسته به دربار پهلوی به حساب می‌آمدند یا حداقل در

^۱. یکی از مهمترین مشکلات مطالعات مهاجرت به‌طور کل و در ایران به‌طور ویژه، عدم دسترسی به داده‌های آماری و تحلیل‌های علمی از دلایل و انگیزه‌های مهاجرت ایرانیان در دوران معاصر است.



معرض چنین اتهامی قرار داشتند. گروه دوم نیز عمدتاً با هدف فرار از جنگ و پیامدهای آن دست به چنین انتخابی زدند (Naghd, 2010: 198).

دهه هفتاد (۸۰-۱۳۷۰) (۲۰۰۱-۱۹۹۱) که با رها شدن کشور از بحران بقا^۱ آغاز شد، تجربه‌ی تازه‌ای از مهاجرت رقم خورد. در این دوره، بخشی از نیروی کار جوان که یا تمایلی به ماندن در کشور نداشت یا فرصت شغلی لازم برای ماندن را پیدا نمی‌کرد، به سمت بازارهای بین‌المللی همچون کشورهای همسایه یا کشورهای شرق آسیا-به‌ویژه ژاپن- سرازیر شد. دهه ۱۳۹۰ اما دربردارنده شواهد و قرائنی است که حکایت‌گر تغییری محسوس در الگوی جریان خروجی مهاجرت ایرانیان هستند. اگرچه شاید کمی زود باشد که از تغییر کامل الگو سخنی به میان بیاوریم اما به نظر می‌رسد این دگرگونی در لایه‌هایی از تحلیل غیرقابل انکار است. در واقع رصد اخبار و اطلاعات موجود این فکر اولیه را به ذهن متبادر می‌کند که اگر تا قبل از دهه ۹۰، ایرانیان بیشتر برای پیدا کردن شغل یا ادامه تحصیل به خارج از کشور عزیمت می‌کرده‌اند. سپس بخش بزرگی از مهاجرت‌ها توسط کسانی انجام گرفت که در ایران صاحب شغل و کسب‌وکار بوده‌اند ولی با انگیزه حفظ سرمایه‌های خود آنها را به ارزهای خارجی تبدیل کرده و از کشور خارج نمودند. برخی تخمین‌هایی که در زمینه خروج سرمایه از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا انتهای سال ۱۳۹۹ زده می‌شود حداقل رقمی حدود ۱۰۰ میلیارد دلار را واقعی می‌دانند. مطابق این گزارش، صاحبان این سرمایه‌های خارج شده عمدتاً از آنها برای خرید ملک یا راه‌اندازی کسب‌وکار در کشورهای همسایه- به‌خصوص ترکیه و گرجستان- استفاده کرده‌اند تا از این طریق راهی برای اخذ مجوز اقامت در کشورهای یاد شده باز کنند. به طوری که در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) حدود ۳ درصد از کل معاملات املاک ثبت شده در ترکیه متعلق به ایرانیان بوده در حالی که این پدیده در مقایسه با سال قبل از آن ۱۹ درصد رشد را تجربه کرده است (دنیای اقتصاد، شهریور ۱۴۰۰).

نهادهای غیردولتی نظیر جمعیت‌های پراکنده یا همان دایاسپورا به‌عنوان نیروهای اجتماعی دور از وطن در سایر کشورها و نهادهای تأثیرگذار بر رفتار بازیگران محسوب می‌شوند. برای مثال، جامعه ایرانیان خارج از کشور که در آمریکا یا در آسیا پراکنده‌اند به‌عنوان نیروهای اجتماعی می‌توانند دارای چنین کارکردی باشند. دایاسپوراها، مستقر در این کشورها هریک سفیران

^۱. منظور، عبور از چالش‌های بزرگ و خطرناکی است که هرکدام از آنها ظرفیت لازم برای به‌ناویدی کشیدن هر کشوری را دارند. مواردی همچون حرکت‌های جدایی‌طلبانه داخلی در غرب، شرق و شمال کشور، ترورهای گسترده سازمان منافقین در سراسر کشور و جنگ تمام‌عیار صدام و حامیانش علیه ایران سربرآورده از انقلاب اسلامی.



فرهنگی کشورهای خود هستند. این آن چیزی است که آن را می‌توان ناسیونالیسم از راه دور تعبیر کرد (نظری، ۱۳۹۲: ۱۰۲). ایرانیان خارج از کشور از جایگاه قابل توجهی در دیپلماسی عمومی یعنی اطلاع‌رسانی و معرفی فرهنگ و تمدن ایران برخوردارند. دایاسپورها به‌عنوان مزیت‌های یک کشور در کشورهای دیگر بر افکار عمومی تأثیرگذارند و می‌توانند بر شیوه‌ها و سازوکارهای تصمیم‌گیری در کشورهای هدف تأثیرگذار باشند (دهشیری، ۱۳۹۳).

پراکندگی ایرانیان خارج از کشور

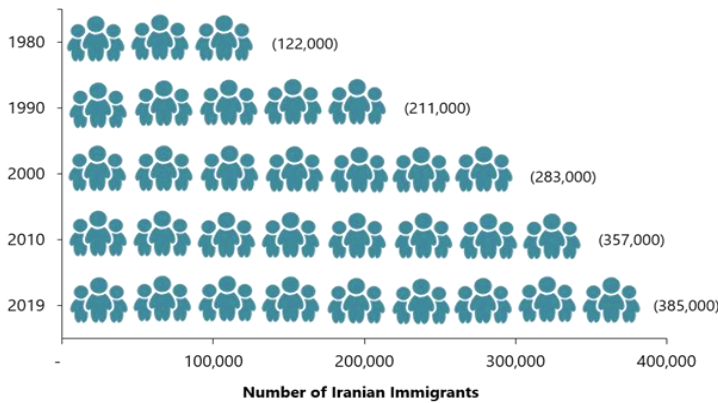
شرایط و رویدادهای سیاسی و اجتماعی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران و پس از آن جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) مهاجرت و پراکندگی سریع و گسترده ایرانیان در سراسر جهان را در پی داشت. طی بیش از ۴۰ سال پس از انقلاب ایرانیانی که کشور خود را ترک کردند تقریباً در تمام قاره‌ها و کشورها پراکنده شده‌اند و ادامه این روند مهاجرت تعداد آن‌ها را افزایش داده است، به‌گونه‌ای که اکنون تخمین زده می‌شود جمعیتی بین ۴ تا ۶ میلیون نفر را در جهان ایجاد کرده‌اند. این جمعیت از نظر قومی، مذهبی و طبقاتی ناهمگون بوده و شامل افرادی می‌شود که به‌عنوان پناهنده، مهاجر اقتصادی و دانشجویان بین‌المللی شناخته می‌شوند. افرادی نیز هستند که مهاجر غیررسمی به‌شمار می‌آیند. هرچند مهاجران ایرانی در مکان‌های متعدد در سراسر جهان زندگی می‌کنند، لیکن اکثریت آنان تمایل دارند در مراکز شهری کلیدی و بزرگ از جمله در لس‌آنجلس، تورنتو، لندن، هامبورگ، استکهلم، دبی، کوالالامپور و سیدنی سکونت کنند (Vahabi, 2012).

جغرافیای جمعیت ایرانی خارج از کشور به گونه‌ای است که آمریکا، کانادا، اروپا، حوزه خلیج فارس، شرق و جنوب شرق آسیا، استرالیا و نیوزلند را در بر می‌گیرد. اگر جمعیت ایرانی‌های مقیم در آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه، اکراین و بلاروس را نیز به مجموعه قبلی بیافزاییم در آن صورت ملاحظه می‌شود گستره ایرانیان خارج از کشور جهانی بوده و محدود به منطقه‌ای خاص نمی‌باشد. هر چند ممکن است به‌لحاظ کمی و کیفی حضور ایرانیان در برخی حوزه‌های جغرافیایی نظیر آمریکا، کانادا، اروپا، استرالیا، مالزی و حوزه خلیج فارس بسیار بیشتر و پررنگ‌تر از سایر حوزه‌های جغرافیایی باشد.

بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین مراکز پرجمعیت این دایاسپورای متعدد و متنوع نیز به‌طور سنتی بیشترین توجه علمی و رسانه‌ای را به خود جلب کرده‌اند. در سال ۱۹۹۰، ۶۳۷۵۰۰ ایرانی در سرشماری‌های رسمی به‌عنوان ساکن خارج از ایران ذکر شدند. ۲۸۵۰۰۰ نفر از این افراد (تقریباً



نیمی از آنها) در ایالات متحده زندگی می‌کردند. به این ترتیب، ایالات متحده و به‌طور خاص در لس‌آنجلس رشد کردند تا به یکی از نمادین‌ترین مکان‌های بورس تحصیلی در دایاسپورای ایرانی تبدیل شوند (Bozorgmehr, 1998).



نمودار بالا تعداد جمعیت ایرانیان مهاجر به ایالات‌متحده آمریکا در بازه‌های زمانی ده‌ساله از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود تعداد آن‌ها از حدود ۱۲۲۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۰ به ۳۸۵۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۹ رسیده که به معنای افزایش حدود سه و نیم برابری است. همچنین در جدول زیر توزیع ایرانیان مقیم آمریکا در شهرها و ایالت‌های این کشور نشان داده شده است.

Metropolitan Area	Immigrant Population from Iran	% of Metro Area Population
Los Angeles-Long Beach-Anaheim, CA	138,000	1.0%
Washington-Arlington-Alexandria, DC-VA-MD-WV	21,000	0.3%
New York-Newark-Jersey City, NY-NJ-PA	20,000	0.1%
San Francisco-Oakland-Berkeley, CA	17,000	0.4%
San Jose-Sunnyvale-Santa Clara, CA	16,000	0.8%
San Diego-Chula Vista-Carlsbad, CA	11,000	0.3%
Dallas-Fort Worth-Arlington, TX	11,000	0.2%
Houston-The Woodlands-Sugar Land, TX	10,000	0.1%
Seattle-Tacoma-Bellevue, WA	7,000	0.2%
Sacramento-Roseville-Folsom, CA	6,000	0.3%

Immigrants from Iran in the United States, JULY 15, 2021
Spotlight, By Tianjian Lai and Jeanne Batalova



یکی دیگر از مقاصد اصلی مهاجرت ایرانیان به‌ویژه طی یک دهه اخیر کشور استرالیا بوده است. مهاجران اولیه از ایران به استرالیا بیشتر کارگران نفتی بودند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و استقرار جمهوری اسلامی ایران و به‌دنبال آن جنگ ایران و عراق منجر به افزایش مهاجرت از ایران به استرالیا شد. در سال ۱۹۸۱، استرالیا برنامه کمک‌های بشردوستانه ویژه‌ای را با هدف حفاظت از اقلیت‌های مذهبی (مانند بهاییان یا یهودیان) در برابر آزار و اذیت مذهبی آغاز کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بسیاری از متخصصان به‌دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی شروع به ترک ایران و مهاجرت به استرالیا کردند. با پایان یافتن این درگیری، مهاجرت کاهش یافت، اما در طول دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ با مهاجرت بسیاری از ایرانیان تحت برنامه جذب کارکنان ماهر و خانوادگی، برنامه مهاجرت ثابت ماند. تعداد افراد متولد ایران در استرالیا نیز پیوسته در حال افزایش است. طبق نتایج سرشماری سال ۱۹۹۶، آمار ۱۶۲۷۰ نفر ایرانی‌الاصل در استرالیا ثبت شد که این تعداد در سال ۲۰۰۱ به ۱۸۷۹۸ نفر، در سال ۲۰۰۶ به ۲۲۵۴۶ نفر و در سال ۲۰۱۱ به ۳۴۴۵۴ نفر رسید. ایرانیان در تمام برنامه‌های مهاجرت به استرالیا مهاجرت کرده‌اند. اگرچه متولدین ایران عمدتاً مسلمان شیعه هستند، افراد دیگری از مذاهب بهایی و مسیحی نیز در میان آنها هستند. توزیع جغرافیایی سرشماری از متولدان ایران در سال ۲۰۱۶ بر اساس ایالت و قلمرو نشان داد که ایالت نیو ساوت ولز با ۲۳۰۴۸ بیشترین تعداد جمعیت مهاجر ایرانی را داشته و پس از آن ویکتوریا (۱۶۶۲۷)، کوئینزلند (۶۵۱۱) و استرالیای غربی (۵۸۱۵) قرار دارند (Atashi, 2018: 179-187).

تعداد ایرانی‌های خارج از کشور در آمار اعلام شده از سوی دبیر کل شورای عالی ایرانیان، ۶ میلیون نفر ذکر شده است. این میزان ۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل دهد که ۲۴ درصد تحصیل‌کرده‌های آنها را افرادی با مدارک تحصیلی عالی، ۲۸ درصد فوق لیسانس، ۴۲ درصد جمعیت آن را لیسانس تشکیل می‌دهد. نقل قول غالب، از جمعیت حدود ۶ میلیون نفری ایرانیان خارج از کشور حکایت دارد که عمدتاً در آمریکا، کانادا، اروپای غربی، حوزه اسکانندیناوی، حوزه خلیج فارس، مالزی، استرالیا نیوزیلند مقیم هستند. به رغم اینکه اداره کل امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بر تعداد ۵ میلیون ایرانی خارج از کشور اشتراک نظر دارند، اما مسئولان شورای عالی ایرانیان در دولت نهم و دهم تعداد ایرانیان خارج از کشور را تا ۷ میلیون نفر هم تخمین زده‌اند (عنادی، ۱۳۹۳). بیشترین تعداد مهاجرین ایرانی با یک میلیون و ۴۱۱ هزار نفر جمعیت در آمریکا ساکن هستند. بعد از آمریکا کشور امارات



با ۸۱۱ هزار ایرانی در مکان دوم قرار دارد. تعداد ایرانیان مقیم انگلستان ۴۱۱ هزار نفر، فرانسه ۱۵۵ هزار نفر و آلمان ۲۱۱ هزار نفر هستند (کرمی، ۱۳۹۱).

۲. کنشگری دایاسپورای ایرانی در ابعاد مختلف

هویت ایرانی تبار بودن باعث می‌شود که ایرانیان همواره در فکر سرزمین مادری باشند. آنها تحولات و فراز فرودهای ایران را همواره رصد کرده و دنبال می‌کنند. به عقیده صاحب‌نظران در حوزه هویت، ایرانیان مهاجر به اروپا و آمریکا در عین اینکه هویت‌های خاص این جوامع را به نوعی به خود می‌گیرند اما هویت خود را نیز از دست نمی‌دهند و نوعی احساس در غرب بودن اما نه از غرب بودن در آنها شکل می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲).

ایرانیان خارج از کشور در بحث منابع قدرت نرم مؤلفه‌های بسیار خوبی دارند که می‌توانند از آن استفاده کنند. آنها هم می‌توانند از فرهنگ و تمدن باستانی و هم از اصول ارزش‌های اسلامی و انقلابی استفاده کنند. برخی از این مؤلفه‌های محتوایی یا منابع عمومی عبارتند از: تاریخ تمدن کهن ایران، زبان ادبیات فارسی، نوروز، یگانه‌پرستی و فرهنگ تشیع و اصول و مبانی برآمده از انقلاب اسلامی. درخصوص ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از نویسندگان به زبان فارسی، تبادل استاد و دانشجو، میراث فرهنگی تاریخی باستانی، خدامحوری، اقتصاد و گردشگری استفاده کند (خسروی و جباری، ۱۳۹۰).

رشد فزاینده توجهات به کنشگران جدید در روابط بین‌الملل و سیر صعودی نفوذ آنها، این امکان را فراهم کرده تا آنها در حوزه‌هایی ورود نمایند که سابقاً قلمرو اختصاصی دولت‌ها به‌شمار می‌آمد (Cohen, 2008: 169-170). آنها با تکیه به شبکه فعال خود می‌توانند مرزهای سنتی و رسمی را درنوردیده و در نظام‌های بروکراتیک و دولتی اعمال نفوذ نمایند. بر همین اساس شاهد آن هستیم که این بازیگران فراملی‌گرا^۱ به‌طور هم‌زمان در سیاست داخلی و سیاست خارجی درگیر می‌شوند (Cakmak, 2007: 7-35). آنها با توسل به روش‌هایی همچون لابی کردن با مراکز تصمیم‌ساز، ارتباط گرفتن با اپوزیسیون‌ها یا سیاستمداران و نیز با سود بردن از رسانه اهداف خود را عملی می‌کنند (Hagel and Pauline, 2005: 470). به‌لحاظ سطح اثرگذاری در جهان امروز، مهم‌ترین بازیگران غیردولتی عبارتند از: تشکل‌های مردم‌نهاد،^۲ شرکت‌های

1. Transnational Actors

2. NGOs (Non-Governmental Organizations)



چندمیلیتی^۱، گروه‌های مذهبی، مؤسسات بشردوستانه، گروه‌های تروریستی و دایاسپوراها^۲ (Rosenau, 2006: 29).

۱-۲. استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی برای تقویت توانمندی‌ها

عامل کلیدی دیگر در گسترش توجهات به این حوزه مطالعاتی جدید، تحول سریع و توسعه انکارنشدنی فناوری‌های ارتباطی و ارتباطاتی است. تلفن، هواپیما، اینترنت، گوشی‌های هوشمند و مواردی از این قبیل در میان مؤثرترین عوامل سهولت‌بخشی هستند که نه تنها باعث حفظ و تقویت ارتباط افراد با سرزمین آبا و اجدادی خود می‌شوند بلکه مشوق‌های مهمی برای ترغیب آنها به ترک وطن یا بازگشت به آنجا ولو برای کوتاه‌مدت به‌شمار می‌آیند. به اعتقاد جیمز کلیفورد، مردم‌شناس و مورخ دانشگاه هاروارد، امروزه عضویت در جوامع دایاسپورایی توانمندی‌های بالقوه‌ای را فراهم می‌کند که مهم‌ترین آنها را شاید بتوان ظرفیت‌سازی برای بسیج حمایت‌های فراملی و بین‌المللی عنوان کرد؛ حال چه در وطن باشد چه در کشور میزبان (Clifford, 1994: 307-315). واقعیت مهم دیگر این است که «اگرچه مهاجرت‌های فراملی^۳ و ارتباط مهاجران با وطن همواره وجود خارجی داشته و صرفاً به امروز اختصاص ندارد، لکن جوهره و کیفیت این ارتباطات در طول تاریخ تغییرات چشم‌گیری به‌خود دیده است».

ایرانیان مقیم خارج از کشور با توجه به توانایی‌های علمی و تخصصی در ردیف دارندگان بالاترین درآمدها هستند. چنانکه براساس تحقیقات موجود، ایرانیان مقیم امریکا در بین سایر گروه‌های مهاجر در این کشور دارای بیشترین میزان افراد تحصیل کرده می‌باشند که ۵ برابر بیش از متوسط آمریکائیان دارای مدرک هستند. درآمد سرانه آنها ۵۱ درصد بیشتر از متوسط درآمد سرانه آمریکائی‌هاست (شهرام‌نیا و اسکندری، ۱۳۸۸: ۵۷). این ظرفیت می‌تواند کمک فراوانی به انتقال علم و فناوری به ایران داشته باشد و در پیشرفت علمی کشور سهم قابل توجهی ایفا کند.

۲-۲. ظرفیت‌های سیاسی-امنیتی

واقعیت این است که رابطه ناگسستنی دایاسپوراها با سرزمین مادری و حضورشان در جغرافیای متفاوت با وطن به آنها این امکان را می‌دهد تا مسائل داخلی را به سطوح بین‌المللی بکشانند. این

1. MNCs (Multinational Corporations)

2. Diaspora(s)

3. Transnational Migration(s)



قابلیت افزون بر آنکه می‌تواند به تقویت جایگاه و نفوذ آنها کمک کند، امکان بیشتری برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی نیز در اختیارشان قرار می‌دهد. این قابلیت در شرایطی نظیر بحران یا جنگ داخلی باعث تقویت موضع آن دسته از نیروهایی در وطن می‌شود که از حمایت دایاسپورا برخوردار هستند (Kaldor, 2001: 9).

برخی ایرانی‌ها و تشکل‌های وابسته به آنها از یک سو با تکیه بر شبکه ارتباطاتی خود و از سوی دیگر به دلیل نزدیکی به افراد و کانون‌های قدرت تأثیرگذار در این کشورها، علاوه بر جلب حمایت‌های گسترده توانستند خود را در قامت معتمدان مورد وثوق، فرصتی ارزشمند برای نفوذ راهبردی بیشتر این کشورها در ایران به دست بیاورند. البته این مدل اقدامات که در نهایت به ایجاد بی‌ثباتی و تنش در صلح و امنیت بین‌الملل منجر می‌شوند تنها مختص به همکاری آمریکا با دایاسپورای ایرانی مستقر در آن کشور نیست، بلکه مطابق تحقیقاتی که در دپارتمان تحلیل و حل مناقشات دانشگاه جرج میسون^۱ صورت گرفته، ظرفیت بحران‌آفرینی توسط دایاسپوراها مستقر در آمریکا و کانادا به طور متوسط شش برابر بیشتر از دیگر کشورهاست (Lynos, 2004: 8-9). به طور کلی، این جوامع نقش‌های متنوعی در چرخه سیاست و امنیت ایفا می‌کنند که برجسته‌ترین آنها را می‌توان در این موارد ذکر کرد: لابی‌گری با دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای تدوین راهبردها و سیاست‌ها، جمع‌آوری و سازماندهی کمک‌های مالی، تبادل اطلاعات، تبلیغات رسانه‌ای و مشارکت در پروژه‌های زیرساختی (Baser and Swain, 2008: 7).

۳-۲. ظرفیت‌های اقتصادی

همانند عرصه سیاست و امنیت، در این حوزه نیز تأثیرات دایاسپورا طیف متنوعی را دربرگرفته و از مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در بازار کالا و سرمایه گرفته تا نقش‌آفرینی فعال در زمینه بازرگانی و بازاریابی تا مدیریت نیروی کار و از همه بیشتر در زمینه جابجایی‌های پولی و مالی میان وطن و کشور میزبان را شامل می‌شود. انواع مختلفی از نقل‌وانتقال مالی وجود دارد. این فعالیت‌ها دربردارنده «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»^۲ ارسال پول برای خانواده و دوستان یا همان ریمیتنس^۳، پس‌انداز، تجارت، سرمایه‌گذاری در زمینه راه‌اندازی کسب و کارهای نوپا^۱، خرید ملک یا کمک‌های بشردوستانه^۴ هستند (Ionescu, 2006: 44).

1. School for Conflict Analysis and Resolution at George Mason University

2. Foreign Direct Investments (FDI)

3. Remittance



در میان این موارد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارسال پول و تجارت از اهمیتی بیشتر برخوردار هستند. گیلزروا می‌گوید «دایاسپوراها از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری موجب تسهیل تبادل منابع، کالا، خدمات، دانش، فناوری و سرمایه میان وطن و کشور میزبان می‌شوند. علاوه بر آنکه کارآفرینان خارج از کشور در روند توسعه اقتصادی وطن مشارکت دارند» (Geislerova, 2007: 98). دایاسپوراهای درگیر در کسب‌وکارهای فراملی با ایفای نقش واسطه‌ای به‌طور همزمان علاوه بر تحصیل سود برای خودشان، می‌توانند مجرای مناسبی برای ارتقای بهره‌وری و افزایش سود از طریق خلق فرصت و کمک به مدیریت کارآمد در کشورهای مختلف باشند. طبق تحقیقات، این بازیگران نوظهور می‌توانند مستقیماً و در مقام سرمایه‌گذار خارجی عمل کنند یا فعالانه درگیر فرآیند جذب سرمایه‌گذاران غیربومی در کشورها شوند. چین مثال برجسته‌ای در این زمینه است که توانسته سهم هنگفتی از بازار جهانی را از آن خود کند. طبق آمار، حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور متعلق به دایاسپورای چینی بوده است (IOM and Remittances, 2007).

گزارش‌ها حاکی از آن هستند که پول‌های ارسالی توسط مهاجرانی که وطن آنها در گروه کشورهای در حال توسعه تعریف می‌شوند، در سال ۲۰۰۶ از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار گذشت. این رقم با ۷ میلیارد رشد نه تنها از رقم ۱۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ پیشی گرفته بود بلکه حدود دو برابر ارقام ثبت شده در سال ۲۰۰۱ بود (Ratha, 2007). آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۰۷ توسط صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی^۲ رشد چشمگیر این پول‌ها را با رقمی حدود ۳۰۰ میلیارد دلار نشان می‌دهد. این رشد با نرخی ثابت ادامه پیدا کرد تا در سال ۲۰۱۳ به ۵۵۰ میلیارد دلار رسید (World Bank, 2013). نگاهی به سهم کشورهای دریافت‌کننده در گذر زمان به درک بهتر از نقش این عامل در اقتصاد جهانی کمک خواهد کرد. در سال ۲۰۰۴ مکزیک با ۱۱ میلیارد دلار و هند با ۱۰ میلیارد در صدر فهرست کشورهای مورد نظر قرار داشتند، در حالی که در سال ۲۰۱۳ هند با ۷۱ میلیارد دلار، چین با ۶۰ میلیارد، فیلیپین با ۲۶ میلیارد و مکزیک با ۲۲ میلیارد اصلی‌ترین دریافت‌کنندگان این پول‌ها در جهان بوده‌اند (World Bank, 2013). جالب اینجاست که همه این موارد تنها آمار رسمی ثبت‌شده‌ای هستند که به مراجع مربوطه اعلام شده‌اند، حال آنکه به اعتقاد ترنر، با اضافه کردن رقم تقریبی مواردی که ثبت نمی‌شوند این رکوردها حداقل چیزی حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد افزایش خواهند یافت (Turner, 2008: 4).

1. Start-up company

2. International Fund for Agricultural Development (IFAD)



در مورد میزان سرمایه ایرانیان خارج از کشور صحبت آمار قطعی ارائه نشده است. چنانکه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی میزان سرمایه‌های مالی ایرانیان مقیم خارج را با استناد به نظر مسئول بازرسی نظارت سازمان نخبگان، به تنهایی بالغ بر ۹۰۰ میلیارد دلار ذکر می‌کند. در این گزارش آمده است که بیش از ۶۵۱۱ شرکت ایرانی در دبی ثبت شده و افزون بر ۱۴۰۰ ایرانی در بورس دبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. بر اساس آماری دیگر، سرمایه ایرانیان مقیم خارج از کشور بین ۶۱۱ تا ۸۱۱ میلیارد دلار اعلام شده است. مجموعه این سرمایه در چهار نقطه آمریکا، آلمان، انگلستان، امارات متحده عربی و دبی ۵۱۱ میلیارد دلار است. به نظر می‌رسد چنانکه بخواهیم آمار دقیق‌تر و نزدیک به واقعیت از ظرفیت اقتصادی ایرانیان خارج از کشور ارائه کنیم، همان رقم بین ۶۱۱ تا ۸۱۱ میلیارد دلار دقیق‌تر است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۴).

افزون بر میزان سرمایه ایرانیان خارج از کشور موضوع مهم دیگر در این ارتباط ظرفیت مدیریتی حضور کلیدی ایرانیان در سطوح مدیریتی شرکت‌های بزرگ کشورهای میزبان است. برای مثال طبق همین مطالعات، ایرانیان مقیم آمریکا مؤسس بیش از ۲۸۰ شرکت مهم و در بیش از ۴۰۰ شرکت مطرح آمریکایی که نامشان جزو ۵۰۰ شرکت برتر مجله اقتصادی فورچون است، در سطح ریاست یا مدیریت شاغل هستند (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۴).

۴-۲. کنشگری در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی

دایاسپوراها به دلیل قرار داشتن در موضع اقلیتی و مهاجرتی اقدام به بازتعریف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی می‌کنند. این تلاش‌ها بیش از هر چیز برای تطبیق با محیط جدید صورت می‌گیرد. با وجود این بحث شد که این عملیات طوری اجرا می‌شود که باعث مخدوش شدن هسته مرکزی هویت آنها نشود (Clifford, 1994: 303-305). در واقع کنش و واکنش‌های دایاسپورا با جامعه میزبان ذاتاً بار فرهنگی دارند و به اقتضای فضایی که در آن واقع می‌شوند می‌توانند اثرگذار باشند. به همین ترتیب تعامل آنها با وطن و هموطنان خود خواه ناخواه انتقال‌دهنده فرهنگ جامعه میزبانی است که اعضای دایاسپورا در آن زیست می‌کنند. این پدیده اگرچه به سختی قابل اندازه‌گیری و نیازمند به کارگیری پژوهش‌های روش‌مند علمی است، اما غیرقابل انکار است. اعضای دایاسپورا چه وقتی که درگیر اقدامات سیاسی می‌شوند، چه زمانی که در یک فعالیت اقتصادی مشارکت می‌کنند و چه مواقعی که به انتقال علم و فناوری ورود کرده‌اند، به‌طور همزمان مشغول دادوستد فرهنگی هم هستند. در پیش‌پا افتاده‌ترین حالت با انتقال کلمات، اصطلاحات و کالا میان دو فرهنگ پل می‌زنند و در شکل‌های جدی‌تر با شرکت



در گفتگوهای علمی و فعالیت‌های فرهنگی نقش مؤثرتری در تبادلات فرهنگی و اتصال تمدن‌ها به یکدیگر ایفا می‌کنند (Giddens, 2006: 50-59).

در شرایط مناسب این حضور و تبادل تجربیات فضای تحمل و تکثر را در جوامع تقویت می‌کند، فهم بشری را عمق می‌بخشد و امکانی برای رفع سوءتفاهمات میان ملت‌ها ایجاد می‌کند. اینجا هم نباید از نقش دولت‌ها غافل شد. آنها این قابلیت را دارند که در عرصه فرهنگی و اجتماعی و در همکاری و تعامل با دایاسپوراها دست به ابتکار عمل‌هایی بزنند. این موضوع اغلب به‌عنوان بخشی از یک راهبرد جامع فرهنگی - ملی دنبال می‌شود. دولت‌ها از چهار ابزار برای تشویق و ترغیب دایاسپوراها برای مشارکت در زمینه راهبردهای فرهنگی خودشان استفاده می‌کنند که عبارتند از «گسترش حمایت‌های تازه از وطن، پشتیبانی از ابتکارات محلی دایاسپورا، اعطای نشان افتخار و جایزه و تشویق به بازدیدهای کوتاه از وطن» (Ancien et al, 2009: 17). در ادبیات امروزی سیاست خارجی این مدل از سیاست‌ورزی معمولاً ذیل «دیپلماسی عمومی» دسته‌بندی می‌شود که یکی از هدف‌های آن تصویرسازی درست از وطن/میزبان برای دیگر ملت‌ها است (Szondi, 2008: 23-25).

واقعیتی که در میان ایرانیان مهاجر، مشترک است این است که در مقایسه با دیگر مهاجران دارای خودآگاهی هویتی بیشتری هستند. در این باره آمده است ما ایرانیان مقیم آمریکا درباره وضع اجتماعی و هویت ملی خود بسیار خود آگاهیم. هنگامی که آمریکاییان را می‌بینیم حتی اگر خویشان سببی ما باشند به گونه‌هایی خاص درباره ارزش‌های خود حالت دفاعی می‌گیریم (نظری، ۱۳۹۲: ۱۰۷). با توجه به این ظرفیت و نظر به اینکه این طیف از ایرانیان با هویت اصیل ایرانی خود با کشورهای محل سکونت در هم آمیخته‌اند، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از ظرفیت آنها می‌تواند در عرصه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران اثرگذار بوده و زمینه ایجاد مزیت نسبی راهبردی در محیط پیرامونی خود به وجود آورند. در بسیاری از مواقع گروه‌های اجتماعی خارج از کشور بخشی از پشتوانه راهبردی کشور متبوع بوده در نتیجه توانسته‌اند به‌عنوان نیروی تاثیرگذار در محیط هدف نقش مؤثری ایفا نمایند (عنادی، ۱۳۹۳: ۱۳).

استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای شبکه‌های برون مرزی

بر مبنای تحقیقی که در خصوص ایرانیان مقیم کانادا به عمل آمده، آنها به طور کامل با جامعه میزبان همسان نمی‌شوند و مطابقت آنها با فرهنگ میزبان همیشه نسبی است (رنجبرزاده، ۱۳۹۲: ۱۷ به نقل از محمدی، ۱۳۸۰). دور بودن از سرزمین مادری و عدم همسانی کامل با جامعه



میزبان، وضعیت زیستی و اجتماعی و نیازهای خاصی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ایجاد می‌کند. آنها در شرایط دوری از وطن خودآگاه و ناخودآگاه به سوی شبکه‌هایی که به زبان مادری آنها برنامه پخش می‌کند گرایش پیدا می‌کنند و سعی می‌کنند از این طریق بخشی از نیازهای روحی خود را تأمین کنند. برآورده شدن این نیاز آنها را به سوی احساس تعلق و کنش اجتماعی و ارتباطی با وطن می‌کشاند. بر همین اساس، می‌توان گفت که هرچقدر ایرانیان خارج از کشور برنامه‌های رادیوها و تلویزیون‌های برون مرزی ایران را بشنوند و ببینند توجه آنها به شاخصه‌های هویت ملی‌شان و ارتباط آنها با سرزمین مادری‌شان بیشتر می‌شود. مخصوصاً اگر الگوهای موفق از سرزمین مادری در قالب برنامه‌های جذاب و سرگرم کننده به آنها معرفی شود (رنجبرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲). این برنامه‌ها باید به نحوی تولید و پخش شوند که توان رقابت با رسانه‌های رقیب و معاند را داشته باشند.

طراحی، تولید و پخش برنامه‌های شبکه‌های برون مرزی باید با محوریت و توجه کافی به پژوهش‌ها و مطالعات علمی باشد. بر همین اساس شناخت مخاطبین این شبکه‌ها و توجه به ذائقه‌ها و گرایش‌های آنها می‌توان توجه آنها را به برنامه‌ها به‌طور هدفمند و مؤثر افزایش بدهد (رنجبرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴). با وجود رویش و ریزش مخاطبان شبکه‌ها چه که متأثر از تحولات داخلی ایران و تأثیر آن بر مخاطبان ایرانی خارج از کشور در نوسان است به نظر می‌رسد این شبکه توانسته در حفظ هویت ایرانیان ترویج آموزش زبان فارسی برای نسل‌های ایرانیان خارج از کشور مفید باشد (عنادی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). بر مبنای پژوهشی دیگر که به صورت پیمایشی از ایرانیان خارج از کشور به عمل آمده است، حدود ۹۰ درصد از مخاطبان مورد مصاحبه، بخش‌هایی از برنامه‌های تلویزیونی شبکه جام جم را دیده بودند (احمدی و توکلی، ۱۳۸۷).

در کنار شبکه جام جم، هر یک از شبکه‌های برون مرزی با توجه به جامعه مخاطب خود ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی برای تعامل و جذب ایرانیان خارج از کشور دارند. مثلاً پرس‌تی‌وی جامعه مخاطب گسترده‌ای دارد و ایرانیان خارج از کشور نیز جزو مخاطبان آن هستند. این شبکه بین‌المللی برجسته، بستری رسانه‌ای و مؤثر برای ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی، تداوم فرهنگی، هویت‌سازی و معناسازی ایرانیان خارج از کشور قلمداد می‌شود. این شبکه با تولید برنامه‌های متنوع در همگرا کردن ظرفیت‌های سیاسی-امنیتی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و علمی-فنی دیاسپورای ایرانی و بسترسازی برای بهره‌مندی مظاعف از این ظرفیت‌ها مفید است.

نتیجه‌گیری

جوامع دیاسپورایی ایرانی که حدود ۷ میلیون تخمین زده می‌شوند از ظرفیت‌های عظیمی در ابعاد سیاسی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و علمی - فنی برخوردارند که می‌توانند از جنبه - های گوناگون در خدمت حل مشکلات ایران قرار بگیرند. سرمایه مالی این جامعه بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. ایرانیان خارج از کشور که در بیشتر کشورهای دنیا مخصوصاً در آمریکا و اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس و شرق آسیا، پراکندگی خاصی دارند، هزاران شرکت اقتصادی تأسیس و در رأس تعداد زیادی از شرکتهای دیگر هستند. علاوه بر این درصد بالائی از آنها دارای مدارک عالی دانشگاهی هستند که بخشی از آنها به‌عنوان استاد دانشگاه در دانشگاه‌های کشورهای دیگر مشغول تدریس هستند. صدها گروه و انجمن فعال از ایرانی‌ها در زمینه‌های مختلف در کشورهای دیگر فعال هستند که به‌عنوان ظرفیتی قابل توجه می‌توانند در خدمت اهداف جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرند. با فعال کردن تجربیاتی از این جنس ایران می‌تواند «فرار مغزها» را به «سود بردن از مغزها» تغییر بدهد. این انتخاب علاوه بر آنکه می‌تواند تلاشی برای تغییر منطق موجود باشد، این قابلیت را دارد که به‌عنوان دستورالعملی اجرایی، باعث تقویت رشد اقتصادی ایران شود. جمهوری اسلامی ایران، با داشتن راهبردی کارآمد و تعاملی با جوامع ایرانی خارج از کشور در عصر کنونی و به‌واسطه پیشرفت‌های مختلف فناورانه، می‌تواند ارتباط آنها را با وطن‌شان حفظ کند. طبیعتاً در چنین حالتی بهره‌مندی از یک خطمشی تعاملی و اثرگذار به‌مراتب بهتر از انفعال و بی‌موضوعی خواهد بود.

هر یک از شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما نیز در بیشینه‌سازی همگرایی دیاسپورای ایرانی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های آنها می‌توانند مثمرتر باشند. در حوزه منطقه غرب آسیا، شبکه‌هایی مانند العالم، الکوثر و سحر نقش‌آفرینی دارند. در حوزه بین‌المللی شبکه پرس‌تی‌وی مؤثر است و در حوزه آمریکای لاتین شبکه هیسپان‌تی‌وی مفید است. علاوه بر شبکه‌های تلویزیونی، وجود بیش از ۳۰ رادیو به ۳۰ زبان مختلف دنیا در جذب سرمایه‌های اقتصادی و غیراقتصادی حوزه‌های مخاطب خود فعال هستند.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای

با توجه به انواع مسائل و مشکلاتی که در ارتباط با جوامع ایرانی خارج از کشور وجود داشته پیشنهاد می‌شود که سیاست‌ها و اقدامات زیر در حوزه دیپلماسی دیاسپورا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی رسانه ملی و نهادهایی مرتبط با دیپلماسی عمومی به انجام رسد:





- اتخاذ یک سیاست رسانه‌ای واحد و یکپارچه بر اساس رفع تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی که لازمه آن همکاری و هم‌اندیشی رسانه ملی با نهادهای سیاستگذار و مجری در حوزه سیاست خارجی و مناسبات با دایاسپورای ایرانی است.
- پیگیری اهداف کلان و جهت‌گیری‌های اصلی در این حوزه در قالب یک استراتژی هماهنگ تبلیغی و برنامه‌سازی برای مخاطب ایرانی در نقاط جغرافیایی مختلف جهان و متناسب با نیازهای دایاسپورای مستقر در مناطق جغرافیایی و کشورها باشد.
- همکاری و تعامل سازنده با نهادهای سیاست‌گذار و مجری به‌ویژه شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه برای هم‌افزایی فعالیت‌های رسانه‌ای و اجرایی.
- ایجاد و توسعه پلتفرم‌های رسانه‌ای مناسب برای ارائه مشاوره تخصصی برای راهنمایی و هدایت انواع مخاطبان خارج‌نشین همچون ساخت برنامه‌های تعاملی با استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور.
- ساخت مستند گزارشی از مهاجرانی که به ایران برگشته‌اند و از این مهاجرت خود خشنود هستند.
- دعوت از نخبگان ایرانی مقیم خارج از کشور برای حضور در برنامه‌های مختلف شبکه‌های برون‌مرزی چه به‌صورت تلفنی و چه در زمان سفر آنان به ایران.
- تقویت ارتباط‌گیری دفاتر برون‌مرزی صداوسیما با ایرانیان مقیم خارج از کشور و بهره‌گیری مقتضی از نظرات آن در برنامه‌های مختلف.
- تشویق ایرانیان خارج از کشور به تولید و ارسال محتوای رسانه‌ای (عکس‌ها، کلیپ‌ها و ...) از اتفاقات اجتماعی و فرهنگی محل زندگی و استفاده از آنها به فراخور برنامه‌های شبکه‌های برون‌مرزی
- تولید یک برنامه در قالب مسابقه با مشارکت ایرانیان خارج از کشور در شبکه‌هایی مانند پرس‌تی‌وی، هیسپان‌تی‌وی، العالم، و...
- اهمیت دارد تولید محتوای پژوهش‌محور و متناسب با نیازمندی‌های هموطنان در خارج از کشور کماکان در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما استمرار یابد. یکی از معضلات دستگاه‌های سیاست‌گذار و مجری کشورها در ارتباط با شهروندان غیرمقیم خود این است که می‌خواهند معیارهای حاکم بر جامعه مادری را عیناً برای مهاجران خود اجرایی نمایند و این در حالی است که مهاجران در وهله نخست تحت تأثیر قوانین و فرهنگ جامعه میزبان



هستند. بخشی از این واقعیت که نسل‌های دوم به بعد ارتباط قوی با سرزمین مادری برقرار نمی‌کنند به ضعف در این حوزه باز می‌گردد. لذا، شایسته است که روایت‌پردازی‌ها و تصویرسازی‌های مقتضی از ارزش‌ها و نمادهای هویت ملی خلق شوند که ترویج آنها هم جذاب باشد و هم امکان‌پذیر. در واقع، هنر رسانه این است که استانداردهای ارزشی-هویت‌ی را بتواند با زبان و برداشتی متفاوت- نه متضاد- به گروه‌های هدف در خارج از کشور منتقل نماید تا زمینه‌ای مؤثر برای تقویت هسته ارزشی هویت آنها در محیط میزبان ایجاد شود.

- برنامه‌ریزی برای تأسیس و توسعه کانال‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌های مجازی برون‌مرزی برای متصل و متعهد نگاه داشتن دایاسپورا و حفظ ارتباط مؤثر آنان با جامعه ملی. در این زمینه باید میزان اعتبار شبکه‌های برون‌مرزی را بر مبنای شاخص‌های اعتبار رسانه‌ای برای هموطنان خارج از کشور افزایش داد که از جمله این شاخص‌ها می‌توان به رعایت بی‌طرفی، جامعیت، سرعت و دقت در اخبار و برنامه‌ها اشاره کرد.

- استفاده از ظرفیت‌های موجود علمی و پژوهشی و داده‌های تحقیقاتی برای شناسایی و تحلیل انواع نیازها، خواسته‌ها، توانایی‌ها و امکانات و پراکنش جغرافیایی و نقاط قوت و ضعف دایاسپورای ایرانی در سراسر جهان برای طراحی برنامه‌های تبلیغاتی، سرگرمی و آگاهی‌بخش برای آنها.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدزاده، شیده و بهمن نامورمطلق (۱۳۹۱)، **مهاجرت در ادبیات و هنر**، نشر سخن: تهران.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، **بنیادهای هویت ملی ایرانی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- احمدی حداد، ماهرخ و توکلی، عاطفه (۱۳۸۷)، **نظرسنجی از ایرانیان مقیم خارج از کشور در خصوص شبکه جهانی جام جم**، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- بهمنی، مهدی و جواد اطاعت (۱۴۰۰)، «**هویت دایاسپورایی و ارتباط با وطن: مطالعه موردی عراقی‌های مقیم آمریکا**»، **مجله علمی-پژوهشی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، صص ۱۷۵-۲۰۳.
- بهمنی، مهدی و ناصر اسدی (۱۳۹۷)، «**دایاسپوراها بازیگران با نفوذ عصر جهانی شدن: تبیینی نظری و تحلیلی موردی**»، **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۹۳-۱۱۴.



بهمنی، مهدی (۱۳۹۵)، «دایاسپوراها و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی**، شماره ۲۴، صص ۹۱-۱۱۶

خسروی، محمدعلی و عباسعلی جباری‌ثانی (۱۳۹۰)، «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال سوم، شماره ۱۱.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، **دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی اسلامی، محسن (۱۳۹۱)، **ایرانیان مقیم آمریکا**، تهران: انتشارات الهدی.

دیرخانه شورای امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۹۹)، «آمار پراکندگی ایرانیان مقیم خارج از کشور»، قابل دسترسی در:

<https://iranian.mfa.ir/files/mfairanian/Amar.pdf>

دنیای اقتصاد (۴ شهریور ۱۴۰۰)، «روایت یک دهه خروج سرمایه»، قابل دسترسی در:

<https://donya-e-qtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C-4/3792739-%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%8C%DA%A9-%D8%AF%D9%87%D9%87-%D8%AE%D8%B1%D9%88%D8%AC-%D8%B3%D8%B1%D9%85%D8%A7%DB%8C%D9%87>

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سمیه بهرامی (۱۳۹۶)، «ارزیابی تأثیر کنش‌های دیاسپوریک بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه‌ی موردی دیاسپورای ایرانی مقیم ایالات متحده»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۴ (پیاپی ۴۸)، صص ۳۹-۶۸

رنجبرزاده، ابراهیم (۱۳۹۲)، **نقش شبکه جهانی جم جم در حفظ و تقویت هویت ملی بینندگان مرتبط ایرانی خارج از کشور**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

شهرانیا، امیر مسعود و مجید اسکندری (۱۳۸۸)، ابعاد، ریشه‌ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به مرکز، **فصلنامه ره آورد سیاسی**. شماره ۲۵.

عنادی، مراد (۱۳۹۳)، **نقش ایرانیان خارج از کشور در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران**، رساله دکتری، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

فرجی‌راد، عبدالرضا و یزدان کیخسرو دولتیاری (۱۳۸۹)، «واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی ارمنستان و ارتباط آن با منافع ایران»، **مجله علمی-پژوهشی دانشنامه**، دوره ۳، صص ۸۳-۱۰۴

کریمی، محسن (۱۳۹۱)، **کشورهایی که بیشترین جمعیت ایرانی را دارند**. خبرگزاری مهر.

نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۲)، «نقش رسانه ملی در تقویت همبستگی و هویت ملی ایرانیان خارج از کشور»، **فصلنامه تخصصی مطالعات جوان و رسانه**، شماره ۱۲.

منابع انگلیسی

- Al-Ali (2007), **Nadje, Iraqi Women: Untold Stories from 1948 to the Present**, London: Zed Books.
- Ancien, Delphine et al. (Jan 2009), "Exploring Diaspora Strategies: An International Comparison". Presented in NUI Maynooth Workshop Report
- Atashi, E. (2018). Iranian diaspora, reality television and connecting to homeland. *Media and Communication*, 6(2), 179-187. <https://doi.org/10.17645/mac.v6i2.129>
- Baser, Bahar and Ashok Swain (2008), "Diasporas as Peacemakers: Third Party Mediation in Homeland Conflicts". **International Journal on World Peace** Vol. 25, No. 3 (2008), pp: 7-28.
- Babak Elahi, Persis M. Karim, (2011), Introduction: Iranian Diaspora. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* 1 August 2011; 31 (2): 381-387. doi: <https://doi.org/10.1215/1089201X-1264307>
- Batalova, J. Tianjian Lai (2021). Immigrants from Iran in the United States. Migration policy institute, Washington, DC, Retrieved 10 May 2022, from <https://www.migrationpolicy.org/article/iranian-immigrants-united-states-2021>
- Blendstrup, Angelika (2007), **They Made It: How Chinese, French, German, Indian, Iranian, Israeli and Other Foreign-Born Entrepreneurs Contributed to High-Tech Innovation in Silicon Valley, the US and Overseas**. Silicon Valley, CA: Happy About.
- Bocagni P, Lafleur JM and Levitt P (2016), "Transnational politics as cultural circulation: Toward a conceptual understanding of migrant political participation on the move. **Mobilities** 11(3): 444-463
- Bozorgmehr, M. Sabagh, G.; Der-Maritosian (1991), *Religio-Ethnic Diversity among Iranians in Los Angeles*, Los Angeles: Center for Near Eastern Studies.
- Butler, Kim D. (Fall 2001), "Defining Diaspora, Re-Defining a Discourse". **Diaspora: A Journal of Transnational Studies**, V 10, No 2, pp. 189-219.
- Cakmak, Cenap (2007), "Civil Society Actors in International Law and World Politics, Definition, Conceptual Framework, problems". **International Journal of Civil Society Law**, Vol 1, no 1, pp: 7-35.
- Clifford, James (August 1994), "Diaspora". **Cultural Anthropology**, Vol. 9, No. 3, pp 302-338.
- Cohen, Robin (2008), *Global Diasporas: An Introduction*. New York: Routledge.
- Cornago, Noé (2013), "Plural Diplomacies: Normative Predicaments and Functional Imperatives".
- Denzin, Norman K, & Yvonna S. Lincoln, (2005), *The Sage Handbook Of Qualitative Research* (3rd ed.), London, Sage Publications Ltd,
- Geislerova, Marketa (2007), "The Role of Diasporas in Foreign Policy: The Case of Canada", **Central European Journal of International and Security Studies**, Vol 1, Issue 2, pp: 90-108.
- Giddens, Anthony (2006), **Sociology**, the fifth edition, Cambridge: Polity Press.





- Hanlon Bernadette & Thomas J. Vicino (2014), **Global Migration: the Basics**, London: Routledge (1st edition).
- Hagel, Peter and Pauline Peretz (2005), "States and Transnational Actors: Who's Influencing Whom? A Case Study in Jewish Diaspora Politics during the Cold War", **European Journal of International Relations**, vol, 11, no, 4, PP:467-493.
- Huijgh E (2016), "Public diplomacy", In: **Constantinou C, Kerr P and Sharp P** (eds), *The SAGE Handbook of Diplomacy*, London.
- IOM and Remittances (2007), Available at: http://www.egypt.iom.int/Doc/final_reduce_2007_EN.pdf
- Ionescu, Dina (2006), **Engaging Diasporas as Development Partners for Home and Destination Countries: Challenges for Policymakers**, Geneva: International Organization for Migration.
- Kaldor, Mary (2001), **New and Old Wars: Organized Violence in a Global Era**, Massachusetts: Polity Press.
- Kuznetsov, Yevgeny, and Charles Sabel (2006), "International Migration of Talents, Diaspora Networks and Development: Overview of Main Issues", in **Diaspora Networks and the International Migration of Skills**, edited by Yevgeny Kuznetsov, 3-20. Washington, DC: The World Bank.
- Liddell Henry G., and Robert Scott (1996), **A Greek-English Lexicon**, Oxford: Clarendon Press.
- Lyons, Terrence (2004), **Diasporas and Homeland Conflict**, Presented in the DC Area Workshop on Contentious Politics, March.
- McCain, Chase (2015), "The History of US-Iran Relations and its Effect on the JCPOA Negotiations", Available at: https://digitalcollections.sit.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3260&context=isp_collection
- Melissen, J. (2011), Beyond the new public diplomacy, **Netherlands Institute of International Relations**.
- Mohabbat-Kar, Reza, et al, (2015) Identity and Exile: The Iranian Diaspora between Solidarity and Difference, translated by Bernd Herrmann, of the Publication Series on Democracy, Volume 40, Berlin: Heinrich Böll Foundation in co-operation with Transparency for Iran
- Naghdi, Asadulah (2010), "Iranian Diaspora: With focus on Iranian Immigrants in Sweden", **Asian Social Science**, Vol.6, No,11, pp 208-197
- "Qualitative Research", Queen University Belfast, at: <https://www.qub.ac.uk/directorates/media/Media,508858,en.pdf> (06 Jun 2017).
- Rana, K (2009), "India's diaspora diplomacy", **The Hague Journal of Diplomacy** 4(3): 361-37
- Ratha, Dilip (2007), "Leveraging Remittances for Development". Paper presented at the Second Plenary Meeting of the Leading Group on Solidarity Levies to Fund Development. Oslo.



- Rosenau, James N (2006), **The Study of World Politics (Volume 2): Globalization and Governance**, New York: Routledge.
- Shain, Yossi (2002), "The Role of Diasporas in Conflict Perpetuation or Resolution". **SAIS Review**, Vol 22, N 2, (Summer-Fall), pp:115-144.
- Szondi, Gyorgy (2008), "Public Diplomacy and Nation Branding: Conceptual Similarities and Differences", **Netherlands Institute of International Relations**, Available at:
<http://www.kamudiplomasisi.org/pdf/nationbranding.pdf>
- Tölölyan, Khachig (1996), "Rethinking Diaspora(s): Stateless Power in the Transnational Moment", **Diaspora: A Journal of Transnational Studies**, Vol 5, N 1, (Spring), pp: 3-36.
- Tölölyan, K (1991), "The nation-state and its others: In lieu of a preface", **Diaspora: A Journal of Transnational Studies** Vol 1, N 1, pp: 3-7.
- Tomiczek, M (2011), "Diaspora diplomacy – about a new dimension of diplomacy, the example of a new emigration non-governmental organization", **Journal of Education Culture and Society**, Vol 2, pp: 105-12
- Turner, Mandy (2008), "Three Discourses on Diaspora and Peace-building", Paper for WISC
- Vahabi, N. (2012 a). "Genèse De La Diaspora Iranienne En France: Une Analyse Sociohistorique", «Migrations Société», 139, 27-45.
- Wiseman, G (2004), 'Polylateralism' and new modes of global dialogue. In: Jönsson C and Langhorne R (eds) **Diplomacy: Problems and Issues in Contemporary Diplomacy**. Thousand Oaks: Sage.
- World Bank (2013), "Migrants from developing countries to send home \$414 billion in earnings in 2013", Available at:
<https://www.worldbank.org/en/news/feature/2013/10/02/Migrants-from-developing-countries-to-send-home-414-billion-in-earnings-in-2013#:~:text=Oct%20%2C%202013%20%2D%2D%20The,to%20%24540%20billion%20by%202016>